



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق الرحیم

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مؤسسة  
علماء جامع شيخ محمد باقر علم الهندي  
مجلس مؤسسة علم آل محمد في المعارف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بماذا نعتقد؟ : ما به چه معتقدیم؟

نویسنده:

محمد باقر علم الهدی

ناشر چاپی:

ولایت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	بماذا نعتقد؟ : ما به چه معتقدیم؟
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	فهرست
۱۶	مقدمه تحقیق
۲۰	مقدمه
۲۰	یادآوری
۲۲	اثبات صانع
۲۲	اشاره
۲۲	راه نخست: دلیل عقل
۲۴	راه دوم: فطرت
۲۶	توحید
۳۲	عدل
۳۶	جبر و تفویض
۴۰	نبوت و اثبات خاتمیت پیامبر(صلی الله علیه و آله)
۴۴	امامت
۴۴	اشاره
۴۵	نخستین دلیل: عقل
۴۵	دومین دلیل: راهنمایی قرآن
۴۵	اشاره
۴۵	امامت از دیدگاه اهل سنت
۴۹	مصونیت پیامبر و امام
۵۰	معجزه

۵۲ ----- معاد

۵۶ ----- کتابنامه

۵۹ ----- الملخص

۶۴ ----- درباره مرکز

بماذا نعتقد؟ : ما به چه معتقدیم؟

## مشخصات کتاب

سرشناسه: علم الهدی، محمدباقر، 1331 - 1388.

عنوان و نام پدیدآور: ما به چه معتقدیم؟ [کتاب]/محمدباقر علم الهدی.

مشخصات نشر: مشهد: ولایت، 1393.

مشخصات ظاهری: 56ص.؛ 14/5×21/5 س م.

شابک: 3-75-6172-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: صفحه عنوان به انگلیسی: Khorasan and the school of divine Gnosis

یادداشت: صفحه عنوان به عربی: بماذا نعتقد؟

یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان "ما به چه معتقدیم؟ اصول عقاید به زبان ساده" به صورت تک زبانه توسط انتشارات پیام طوس در سال 1382 منتشر شده است..

یادداشت: کتابنامه: ص. [41]-[42]، همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ما به چه معتقدیم؟ اصول عقاید به زبان ساده.

موضوع: اصول دین -- به زبان ساده

موضوع: شیعه -- عقاید

موضوع: فروع دین -- به زبان ساده

رده بندی کنگره: 814ع/BP211/5 م 1393 2

رده بندی دیویی: 297/4172

شماره کتابشناسی ملی: 3638671





اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلٰى بِنِ مُوسٰى الرِّضَا المَرْتَضٰى اَلِاِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلٰى مَنْ فَوْقِ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً  
كَثِيْرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

ص: 2

ما به چه معتقدیم؟

علامه حاج شیخ محمد باقر علم الهدی قدس سره

تحقیق: موسسه عالم آل محمد علیهم السلام المعارفیه

ص: 3

سرشناسه: علم الهدی، محمدباقر، 1331 - 1388.

عنوان و نام پدیدآور: ما به چه معتقدیم؟ [کتاب]/محمدباقر علم الهدی.

مشخصات نشر: مشهد: ولایت، 1393.

مشخصات ظاهری: 56ص.؛ 14/5×21/5 س م.

شابک: 3-75-6172-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: صفحه عنوان به انگلیسی: Khorasan and the school of divine Gnosis

یادداشت: صفحه عنوان به عربی: بماذا نعتقد؟

یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان "ما به چه معتقدیم؟ اصول عقاید به زبان ساده" به صورت تک زبانه توسط انتشارات پیام طوس در سال 1382 منتشر شده است..

یادداشت: کتابنامه: ص. [41]-[42]، همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ما به چه معتقدیم؟ اصول عقاید به زبان ساده.

موضوع: اصول دین -- به زبان ساده

موضوع: شیعه -- عقاید

موضوع: فروع دین -- به زبان ساده

رده بندی کنگره: BP211/5/ع 814 م 2 1393

رده بندی دیویی: 297/4172

شماره کتابشناسی ملی: 3638671

ص: 4

«أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»

علم و معرفت بزرگ ترین و بهترین نعمت الهی است که خداوند متعال آن را به بندگان صالح خویش عطا می فرماید و آن ها را در مسیر عبودیت و کمال بندگی به سوی خود با آن یاری می کند. بزرگ ترین افتخار بندگان خدا بر خورداری آن ها از این نعمت گران سنگ است. عالمان ربانی و عارفان حقیقی کسانی هستند که در راه بندگی خدا همواره پیامبران الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) را چراغ راه خویش قرار داده و از سلوک طریق علمی و عملی آن ها هیچ وقت احساس خستگی به خود راه نداده و از هر طریق دیگری غیر از راه امامان معصوم (علیهم السلام) دوری و بیزاری می جویند.

این بنیاد با هدف احیای آثار چنین بزرگانی که در طول تاریخ تشیع همواره مدافع و پشتیبان معارف اصیل و حیانی و علوم راستین اهل بیت (علیهم السلام) بوده اند تشکیل شده است.

امید است با توجهات خاص حضرات معصومین (علیهم السلام) در این راه توفیق یارشان باشد تا بتوانند قدم های مثبت مهمی در احیای آثار ارزشمند آن بزرگان با شرایط روز بردارند.

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّهٖ بِنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اَبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا رَأً وَدَلِيلاً وَعَيْنًا حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.

ص: 6

مقدمه تحقیق. 9

مقدمه 13

اثبات صانع. 15

راه نخست: دلیل عقل. 15

راه دوم: فطرت. 17

توحید 19

عدل. 25

جبر و تقویض... 29

نبوت و اثبات خاتمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) 34

امامت. 38

نخستین دلیل: عقل. 39

ص: 7

دومین دلیل: راهنمایی قرآن. 39

امامت از دیدگاه اهل سنت. 39

مصونیت پیامبر و امام 43

معجزه 44

معاد 47

کتابنامه 51

چکیده عربی و انگلیسی.. 53

بیان مؤسسه..... 55

ص: 8

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله 9: إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ وَعِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ وَوَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ. (1)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که از دنیا برود، عمل او منقطع می گردد، مگر از سه چیز: صدقه جاریه ای که از خود به یادگار گذاشته و دانشی که مردم از آن بهره برند و فرزند صالح و شایسته ای که برایش دعا کند.

از عواملی که سرنوشت زندگانی ابدی ما به آن بستگی دارد اعتقادات صحیح است که با تمسک کردن به ثقلین به آن دست یافته باشیم. این نوشتار بر اساس اصول اعتقادی که بر اساس تعالیم الهی است، تنظیم شده است.

دانش و علمی که از ناحیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) برسد

ص: 9

---

1- إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 14؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 230، ح 6 [13960].



اصول واقعی دین خداست و کسی که واسطه در این راه باشد اوست که مصداق بارز همین حدیث و احادیث تعلم است.

مرحوم علامه حاج شیخ محمد باقر علم الهدی استادی بی نظیر در مسیر شناخت مردم با خدای خویش بود. و چون این اثر اعتقادی به صورت مختصر برای استفاده همگان تدوین شده است ما بر آن شدیم که در راستای عمل کردن به زحمات استاد این اثر را با تحقیق و ترجمه به زبان های عربی، انگلیسی و اردو در اختیار عموم جامعه قرار دهیم تا با نشر و پخش مثل چنین آثاری دیگران هم از فیوضات علمی این عالم فرهیخته بهره ببرند شاید توانسته باشیم حق کوچکی از وظیفه شاگردی را ایفا کرده باشیم. و به جهت این که برای بعضی از خوانندگان زبان های دیگر ممکن است کارآیی نداشته باشد، به صورت تک زبانه (فارسی) تجدید چاپ نمودیم.

مرحوم استاد دوران تحصیل خود را در محضر اساتید بارزی از علماء گذراند که از جمله اساتید ایشان می توان به افرادی نظیر: آیه الله شیخ حسنعلی مروارید، آیه الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی، آیه الله میرزا جواد طهرانی، آیه الله شیخ علی نمازی شاهرودی، آیه الله شیخ علی فلسفی و آیه الله سید محمود مجتهدی سیستانی اشاره نمود.

ص: 10

از مرحوم استاد اثرهای زیادی باقیست:

\* خورشید اسلام چگونه درخشید؟ (شش جلد).

\* کمال هستی در عصر ظهور.

\* شفاعت (سه جلد).

\* حضرت حمزه (علیه السلام)، مدافع حق.

\* البداء آیه عظمه الله.

\* سدّ المفرّ علی منکر عالم الذّر.

\* سدّ المفرّ علی القائل بالقدر.

\* البصیره والعمی فی کلام الباری و اولى النّهی.

\* حدیث النفس فی احادیث اهل البيت (علیهم السلام).

\* النبی وآله (علیهم السلام) کلّمهم نور واحد.

\* معرفه الله.

سرانجام این یگانه در روز ششم رمضان 1431 مصادف با 1389 دار فانی را وداع گفت و در وادی کربلا جای گرفت.

آن چه پیش روی خواننده عزیز و گرامی است سلسله درس هایی

است که در یک سفر تبلیغی به شهرستان اراک برای گروهی از دانشجویان در تاریخ 1375/3/29 مطابق با اول صفر 1417 قمری ایراد شده است. به همت صدیق ارجمند حجه‌الاسلام والمسلمین شیخ حسن کاشانی جمع آوری گردیده است.

ص: 11

لازم به ذکر است آن چه در پاورقی ها آمده، اضافاتی است که دوست گرامی حجه الاسلام و المسلمین شیخ امیر فخاری و همچنین عزیزان در مؤسسه معارف عالم آل محمد (علیهم السلام) به آن افزوده اند، اگر کاستی صورت گرفته است ما را در زدودن آن یاری فرمایید.

در انتها از همه عزیزانی که در به هم رساندن این اثر نقشی داشته اند، کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

مرتضی اعدادی خراسانی

مصادف با رحلت بی بی حضرت معصومه (علیها السلام) 1436ق

مشهد الرضا علیه آلاف التحیه والثناء

ص: 12

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على اشرف الأنبياء والمرسلين ابى القاسم محمد وآله الطيبين الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين من الآن إلى يوم الدين.

ستایش و سپاس خدایی را که آدمیان را بر فطرت خداشناسی آفرید و نعمت های گوناگون و بس فراوان به آنان ارزانی داشت و دلایل محکم و روشن بر اثبات توحید و دیگر مسائل اعتقادی در اختیارشان قرار داد تا آنان از ظلمت جهل و گمراهی بیرون آیند.

## یادآوری

پایه های اعتقادی هر انسانی باید بر اساس عقل و فطرت و وجدان صحیح استوار باشد از این رو دین مقدس اسلام اجازه نمی دهد که آدمی بدون دلیل و برهان به چیزی معتقد شود و از طرفی می دانیم که همه افراد بشر از داناترین گرفته تا کرد پشت کوه، از هر نژاد و طایفه که باشند از جهت تکلیف با یکدیگر مساوی هستند یعنی همه مکلف به

فراگیری عقائد صحیح و سپس به پرستش آفریدگار جهانیان می باشند بنابراین دلایل خداشناسی باید محکم و در عین حال بسیار ساده و قابل درک برای همگان باشد و به هیچ وجه نیازی به آشنایی با معلومات گوناگون و فراگیری اصطلاحات پیچیده و مبانی نادرست فلسفه و عرفان نداشته باشد تا همه ملل و طوائف از عالم و جاهل بتوانند آن را به آسانی بفهمند و ایمان بیاورند زیرا:

اولاً: فراگیری فلسفه و عرفان برای مردم بی استعداد و نیز گرفتار، اصلاً مقدور و امکان پذیر نیست.

ثانیاً: با توجه به مکلف بودن همه مردم، جایز نیست انسان مدتی به بهانه فراگیری علم در ظلمت کفر و الحاد و زندقه باقی بماند.

ثالثاً: راه فلاسفه و عرفا غلط است، زیرا فلسفه و عرفان خدای موهوم و متخیل را که موضوع و مخلوق وهم و خیال است معرفی می کند که آن طبق آیات و روایات مردود است. اما انبیا و پیشوایان دین، مردم را از راه وجدان و فطرت سالم و بیدار ساختن عقل های خفته و دلایل روشن به پذیرش و ستایش خدای واقعی که برتر از وهم و خیال و عقل است دعوت می نمایند. (1)

ص: 14

---

1- برگرفته از خطبه اول نهج البلاغه، ص 43 آن جا که می فرماید: ... پروردگار متعال رسولانش را به سوی مردم برانگیخت و پیامبرانش را پشت سر هم فرستاد... تا عقل های خفته مردم را برانگیزانند و بیدار کنند....

درباره اثبات این مطلب که پدیده های جهان هستی دارای پدید آورنده دانا و توانا می باشند از دو راه می توان استدلال کرد:

### راه نخست: دلیل عقل

این دلیل برای تمام افراد بشر در هر شرایطی که باشند قابل درک و فهم است و آن چنین است که: همه به خوبی می دانند هر چیزی که پدید آید قطعاً دارای منشأ و مبدئی است و هرگز نمی توان پذیرفت که پدیده ای بدون پدید آورنده، پدید آید از این رو به طور طبیعی هر انسان عاقلی در زمینه برخورد با چیزی که نبوده و سپس بوجود آمده است نخست به جستجوی پدید آورنده آن می پردازد، مثلاً اگر در مقابل او یک سیستم کم حجم دقیق با کارایی زیاد از نوع رایانه قرار دهند که مانند آن را ندیده باشد نخستین پرسشی که مطرح می کند، نام مخترع آن می باشد که کیست؟ و همچنین اگر اکتشاف جدیدی در زمینه علوم مطرح شود، فوری معرفی نام مکتشف آن به میان می آید. اکنون با توجه به این که نخست هیچ موجودی از موجودات وجود نداشته بعد یک یک به وجود آمده اند آن هم با دقت و نظم عجیبی که بر چهره هر

پدیده ای نمایان است و بر آن حکومت می کند، عقل ما را راهنمایی می کند که: باید پدید آورنده ای دانا و توانا آن ها را پدید آورده باشد قرآن مجید هم در این زمینه به تذکر و یادآوری پرداخته می فرماید:

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»؛ (1)

آیا این مردم (بدون آفریدگار) از نیستی محض به وجود آمده اند یا خویشتن را خود پدید آورده اند؟

البته این حقیقت که انسان نبوده و ایجاد شده برای همه روشن و ثابت است؛ پس یا باید این پدیده عجیب (یعنی انسان) بدون پدید آورنده باشد که عقل این مطلب را نمی پذیرد و یا باید پدید آورنده انسان ها خود آنان باشند که این نیز قابل قبول نیست، زیرا در آن زمانی که نبوده اند، چیزی نبوده اند که منشأ اثر باشند و بعد از آن که بوجود آمده اند دیگر معنی ندارد که گفته شود خویشتن را خود پدید آورده اند یعنی پدیده ای که هست نیازی به پدید آوردن ندارد. (2)

بنابراین پدیده های جهان هستی را پدید آورنده ای حکیم و قادر پدید آورده است و بر ماست که او را از صمیم دل خالصانه بپرستیم تا در دو جهان رستگار شویم.

ص: 16

---

1- طور (52)، آیه 35.

2- ر.ک: التوحید، ص 290، ح 10؛ بحار الأنوار، ج 3، ص 50، ح 23 (باب سوم از کتاب التوحید).

انسان به گونه ای آفریده شده که در شرایطی ویژه به خوبی درک می کند که آگاه و قدرتمندی همواره امور او را تنظیم نموده و تدبیر می کند یعنی قدرت و حکومت خدا را درباره خودش وجدان می کند از این قرار که: نبود، پدید شد، کوچک بود، بزرگ شد، کودک ناتوان بود، جوان توانا شد، توانا و قدرتمند بود، ضعیف و ناتوان شد، سالم و تندرست بود، مریض شد، مریض و بیمار بود، سالم و تندرست شد، خشمناک بود، شاد و خرسند شد، شاد و خرسند بود، عصبانی شد، محزون بود، شاد شد، شاد بود، محزون شد... (1)

و نیز اگر در شرایط بسیار مشکلی قرار بگیرد به طوری که برای تأمین و رفع نیاز خود از همه اسباب عادی قطع امید کند در آن هنگام به خوبی عجز و ناتوانی خود و قدرت بی نهایت پروردگار خویش را وجدان می نماید از این رو دستش را به سوی او دراز می کند و از او کمک می طلبد تا او را نجات دهد.

روزی یکی از شیعیان حضرت امام صادق (علیه السلام) خدمت آن حضرت مشرف شد و به ایشان عرض کرد: مرا درباره خدا راهنمایی کنید زیرا که بعضی از افراد مخالف، مرا به حیرت و سرگردانی دچار کرده اند. حضرت فرمودند:

آیا هرگز سوار کشتی شده ای؟ عرض کرد: آری. فرمودند: آیا

ص: 17



هرگز کشتی تو شکسته است به طوری که کشتی دیگری یا نجات غریق می که تو را نجات دهد وجود نداشته باشد؟ عرض کرد: آری. فرمودند: آیا قلب تو متوجه شده است به این که قدرتمندی وجود دارد که قادر است تو را از ورطه هلاکت برهاند و نجات دهد؟ عرض کرد: آری. فرمودند: همان قدرتمند، خداست که در هنگامی که نجات بخشی و فریاد رسی نیست، قادر است به فریاد تو برسد و تو را از مهلکه نجات بخشد. (1)

آری ممکن است هواهای نفسانی از قبیل شهوت، غضب، حب جاه و مقام و... روی فطرت را بپوشانند ولی هنگام رو آوردن مصائب و گرفتاری های سخت که انسان از همه جا قطع

امید می کند فطرت پاک به جلوه گری می پردازد و انسان را متوجه پروردگار قادر و بی نیاز خود می سازد و انسان در برابر او به کرنش و پوزش می افتد و به او پناه می برد و فقط از او یاری و کمک می طلبد.

آری در این حالت است که انسان از خواب غفلت بیدار می شود و خدای خویش را می یابد و به وجود او اقرار و اعتراف می کند و سر به آستان پر برکتش می ساید.

ص: 18

---

1- التوحید، ص 231، ح 5؛ بحار الأنوار، ج 89، ص 232، ح 14 (باب 29 از ابواب فضائل سور القرآن وآياته... از کتاب القرآن).

با نگرش دقیق به دو دلیل مزبور که پیرامون اثبات خالق قادر متعال ارائه گردید نیازی به اثبات یکتایی او احساس نمی شود؛ زیرا هنگامی که انسان عاقل به وجود پدید آورنده ای حکیم و قادر علی الاطلاق پی می برد و نیز وقتی امواج خروشان دریا سرنشینان کشتی را با خطر جدی روبرو می سازد و همه از همه جا قطع امید می کنند فقط متوجه خدای قادر متعال می شوند و او را می خوانند و از او کمک می طلبند و با حالت تضرع و زاری با خود زمزمه می کنند که فقط او می تواند انسان را از خطر نجات بخشد.

در چنین حالتی ضمن اثبات وجود خدای آفریننده، یکتایی او هم به طور قطعی و یقین به اثبات رسیده است و دیگر نیازی به استدلال بر یکتایی او احساس نمی شود و همین روش، روش انبیاء و اولیاء بوده است یعنی انبیاء خدای واقعی را طوری معرفی می فرمودند که یکتایی او هم ضمن اثبات وجود او به اثبات می رسید.

اما حکماء و فلاسفه بر خلاف روش انبیای الهی پس از بحث در اثبات وجود خدا به اثبات یکتایی او می پردازند یعنی نخست در زمینه وجود خدا استدلال می کنند که آیا خدا هست یا نیست؟ پس از این راه

که از راه علت و معلول و... اثبات کردند که خدا هست به اثبات یکتایی او می پردازند و دلایلی ارائه می کنند ولی قرآن بدون این که درباره خدا شک کند

قاطعانه می فرماید: «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (1) اگر با دقت بنگریم در این آیه شریفه، هم اثبات خدا هست هم اثبات یکتایی او. (2)

خدا را به محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) سوگند می دهیم که ما را بیش از پیش با خودش آشنا بفرماید. از این رو باید گفت دلیل بر توحید و یکتایی خداوند متعال همان دلیل بر وجود صانع حکیم و مدبر و توانا می باشد یعنی عقل و فطرت دو برهان بر وجود مبدأ دانا و توانا و حکیم و دو دلیل بر یکتایی او می باشند و برای توضیح بیشتر در بحث برهان بر توحید چنین می گوئیم: در زمینه توحید از راه های گوناگون می توان وارد بحث شد، ولی چون بنابر آن است که به طور فشرده و در عین حال، واضح و روان سخن گفت به سه دلیل اشاره می شود:

1. شرکت به معنای همیاری و همدستی و شریک به معنای یاور و همیار و همدست می باشد. بسیار واضح است که شرکت داشتن بدین

ص: 20

- 
- 1- ابراهیم (14)، آیه 10: «پیامبران (به مردم) گفتند: آیا در الله شک دارید؟ آن خدایی که آسمان ها و زمین را خلق کرده است».
  - 2- توضیح مطلب: با یک استفهام انکاری مطلب را تمام کرده است، زیرا آفرینش آسمان ها با این عظمت و به وجود آوردن زمین با این گستردگی از دست دانا و توانایی غیر از او بر نمی آید.

معنی است که کسی بخواهد کاری را انجام دهد و به تنهایی قادر نباشد به خواسته خود برسد. این جاست که از دانش و فکر یا توانایی و قدرت دیگری استفاده می کند. پس وجود شریک در هر زمینه ای برای هر کس، دلیل بر کمبود و ضعف او می باشد یا در جنبه های علمی و یا از جهت قدرت. و ما با مطالعه و دقت درباره موجودات گوناگون جهان هستی به خوبی، علم و آگاهی و نیز دقت و توانایی نامحدود پدید آورنده آن ها را وجدان می کنیم بنابراین با توجه به آن که پدید آورنده موجودات یعنی خداوند متعال به طور نامحدود دانا و توانا است، نیازی به شریک ندارد زیرا وجود شریک برای او دلیل بر ضعف او خواهد بود: یا در جنبه علمی تا از دانش شریک خود بهره مند شود یا از جهت قدرت تا از نیروی او استفاده کند و کسی که محتاج به دیگری است نمی تواند مبدأ و پدید آورنده این جهان پهناور و با عظمت شود.

2. دلیل نظم: همان طوری که ما در برخورد با موجودات گوناگون به خوبی می یابیم که هرکدام از آن ها با نظم خاصی سرپا می باشد؛ سیر کهکشان ها و حرکت زمین و پدید آمدن شب و روز و چهار فصل و نیز نظم در اعضای بدن به خوبی این حقیقت را نشان می دهند. پس نظم حاکم بر موجودات دلیل گویایی بر وجود ناظم دانا و توانا و حکیم است. اکنون می گوئیم با نظر عمیق تر به خوبی وجدان می کنیم که همه موجودات (تا آن جا که دانش بشر پیش رفته است) با یکدیگر مربوط و

ارتباط خاصی بین آن‌ها حکم فرماست به طوری که هماهنگی کامل در میان آن‌ها به خوبی حس می‌شود که یک نظم بر همه حکم فرماست مثلاً از آسمان برف و باران فرود می‌آید زمین نیرومند می‌شود سپس گیاهان و نباتات رشد می‌کنند با فعالیت نباتات هوا سالم شده و تصفیه می‌گردد انسان و حیوان به راحتی تنفس می‌کنند و با تنفس، خون بدن ایشان سالم می‌گردد و به زندگی خود ادامه می‌دهند و نیز با پدید آمدن انواع نباتات انسان و حیوان در زمینه خوراک و نیز نیاز انسان در زمینه بدست آوردن درمان گوناگون تأمین می‌شود غذا را انسان در دهان می‌گذارد زبان آن‌ها را به اطراف دهان می‌چرخاند دندان‌های منظم که به سه قسمت تقسیم می‌شوند غذا را نرم می‌کنند و غده‌های بزاقی با ترشح مخصوص آن‌ها را خمیر کرده و آماده هضم می‌نمایند، سپس از راه مخصوص وارد معده می‌شود و با فعالیت معده هضم شده و عصاره آن تبدیل به خون می‌شود

این هماهنگی کامل و نظم واحد که به گوشه‌ای از آن اشاره شد به ما نشان می‌دهد که ناظم آن‌ها واحد و یکتا می‌باشد همانطوری که از هماهنگی کلاس‌های یک مدرسه پی می‌بریم که در آن مدرسه یک ناظم است و از هماهنگی درس‌های یک کلاس در مدت یک سال تحصیلی به دست می‌آوریم که یک معلم برای آنان درس گفته و ناظم واحدی داشته است.

3. دلیل فطرت: همان طوری که برای اثبات خدا مفید است برای

یکتایی او نیز مفید می باشد به این معنا که وقتی انسان نیاز خود را وجدان می نماید و از همه اسباب عادی و دلایل مادی قطع امید می نماید متوجه به کسی می شود که نیاز او را می داند و نیز می تواند آن را بر طرف نموده و از خطر انسان را رها سازد در چنین حالتی هر انسانی به یک نقطه متوجه می شود و به یک نفر دل می بندد و نیز هر کسی در چنین شرایطی قرار بگیرد به آن نقطه ای دل می بندد که دیگران نیز به آن نقطه دل بستگی پیدا کرده اند. (1)

ص: 23

1- آیات و روایات فراوانی دلالت بر ظهور معرفت فطری دارند، نظیر آیه 65 از سوره العنکبوت (29): «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»؛ همین مردم مشرک اگر سوار کشتی شوند و دست خوش طوفان و امواج خروشان گردند خدا را از صمیم قلب بیاری می طلبند و همین که خداوند خطر را از آن ها دور کرد و به سلامت قدم بخشگی گذاردند باز نسبت به خداوند شرک می آورند. و همچنین حدیثی که مرحوم علامه مجلسی از کنزالفوائد، ج 1، ص 212 از ابو تمیمه هجیمی که محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدم و گفتم: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) من را به چه دعوت می کنی؟ حضرت فرمودند: اگر در بیابانی بی آب و علفی باشی و زاد و توشه ات [مَرکبَت] را گم کنی؛ و او را خطاب کنی، تو را اجابت می کند. و تو را دعوت می کنم به آن چیزی که اگر در سرزمینت قحطی و خشک سالی شد، او را بخوانی، تو را اجابت کند. گفتم: قسم به پدرت، خوب پروردگاری است و مسلمان شدم. برای استفاده از آیات و احادیث بیشتری در این زمینه به کتاب معرفه الله، ص 241-309 از مرحوم مؤلف و کتاب توحید الإمامیه، ص 207 - 258 مراجعه کنید.



از دیگر مسائل اعتقادی شیعه داوازده امامی مسأله عدل خداست یعنی خدا عادل است و ظالم نیست. برای روشن شدن این مسأله نخست باید معنای واژه «عدل» و «ظلم» توضیح داده شود.

واژه «عدل» را در زبان فارسی می توان چنین معنی کرد: (شایسته)، (بجا) و در مقابل، واژه «ظلم» را نیز می توان چنین ترجمه کرد: (ناپسند)، (ناشایسته) با توجه به این معانی، وسعت معنای «عدل» و «ظلم» دانسته می شود. [\(1\)](#)

البته در فارسی غالباً واژه «ظلم» به معنای تجاوز به دیگران استعمال می شود ولی در زبان عربی به هر فکر و عقیده انحرافی و نیز به هر عمل ناپسند و هرگونه تجاوز به دیگران «ظلم» گفته شده است. و همچنین غالباً واژه عدل و عدالت درباره کسی به کار برده می شود که در هنگام تقسیم به طور مساوی قسمت کند ولی با کمی دقت به خوبی

ص: 25

---

1- ر.ک: لسان العرب، ج 12، ص 373؛ و برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به کتاب عدل (استاد بیابانی)، ص 65-76.



می توان فهمید که در همه موارد به طور مساوی تقسیم کردن «بجا» و «شایسته» نمی باشد مثلاً اگر معلم به انضباط و مراقبت دانش آموزان یکسان نمره بدهد این برابری و تساوی بین دانش آموزان با انضباط و افراد بی انضباط عملی نابجا و مخالف

عدالت و مورد نکوهش همه خردمندان قرار خواهد گرفت؛ البته در بعضی موارد لازمه عدالت رعایت برابری و تساوی است مثلاً رعایت برابری و تساوی بین دانش آموزان یک کلاس در امر تحصیل و امتحان، لازمه عدالت است پس مفهوم «عدالت» در همه جا به معنای برابری و تساوی نیست.

اکنون باید گفت: اصل عدالت را که شیعه درباره خداوند متعال معتقد است بدین معناست که هرگز از او کاری «نابجا» و «ناشایسته» صادر نمی شود بلکه هر آن چه از خداوند قادر متعال در امور آفرینش و نیز در امور بندگانش از جهت تشریح قوانین و نیز از جهت پاداش و کیفر صادر می شود شایسته و پسندیده است.

اما اثبات عدل خداوند متعال در امور آفرینش از بحث اعتقادی ما خارج است و نیازی به بررسی آن نیست زیرا:

اولاً: تا آن جا که دانش بشر گسترش یافته و با اسرار نهفته در خلقت و آفرینش پدیده های گوناگون جهان هستی آشنایی پیدا کرده است به خوبی این حقیقت را یافته است که:

جهان هم چون مثال خال و ابروست

که هر چیزی به جای خویش نیکوست

و خلاصه همه چیز در اصل آفرینش بر طبق نظام دقیق و شگفت آور می باشد البته یک سلسله از معماهای جهان آفرینش هنوز کشف نشده ولی حتی برای نمونه در یک مورد هم نتوانسته اند موجودی را بر خلاف حکمت و نظم و بی اثر و فایده پیدا کنند.

و ثانیاً: بحث ما در مورد اثبات اصل عدل است مبنی بر این که خداوند متعال عادل است یعنی به همه اختیار و آزادی داده است و راه هدایت و گمراهی را با فرستادن پیامبران مشخص فرموده و آنان را به پاداش کارهای نیک و کیفر کارهای زشت وعده داده (1)

و فرموده است: «هرکس به اندازه خردلی کار خیر انجام دهد پاداش آن را می بیند و هر که به اندازه خردلی کار زشت انجام دهد به کیفر اعمالش خواهد رسید و به احدی کوچک ترین ظلم و ستمی روا داشته نمی شود». (2)

ص: 27

1- پروردگار متعال انسان را دارای اراده آزاد آفرید و بر اساس همین اختیار و اراده به او امر و نهی کرده است و در نتیجه از او حساب می کشد. پس پروردگار متعال در ثواب و پاداش دادن به نیکوکار یا کیفر کردن بدکار بر اساس عدل رفتار نموده است زیرا اول به او اراده و اختیار داده و سپس امر و نهی کرده و راه و چاه را به او نشان داده و در آخر کار، این انسان را به جزای کردار خویش می رساند.

2- ر.ک: الانبیاء (21) آیه 47: (وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ)؛ لقمان (16)، آیه 16: (يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ)؛ الزلزله (99)، آیات 7 و 8: (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ).

برای اثبات این اصل اعتقادی می‌گوییم: اقدام به عمل ناپسند و ظلم در اثر ضعف دانش یا کمی قدرت است اگر کسی زشتی اعمال ناپسند را به خوبی درک کند و برای رسیدن به هدف خود بتواند از راه صحیح و پسندیده اقدام نماید هیچ جهتی برای ارتکاب عمل ناپسند باقی نمی‌ماند و ما پس از آن که با نگرش دقیق در هر یک از پدیده‌های جهان آفرینش به علم و قدرت نامحدود خداوند متعال پی بردیم یقین می‌کنیم که هیچ‌گونه عجز و ضعفی در خداوند قادر متعال نیست که سبب شود به بندگانش ظلم و ستم روا دارد. علاوه بر آن که قرآن می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)؛ (1)

خداوند به دادگری و احسان و نیکوکاری فرمان می‌دهد.

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ)؛ (2)

خداوند هرگز به احدی به اندازه کوچک‌ترین چیزی ستم روا نمی‌دارد ولی خود مردم در حق خودشان ستم می‌کنند.

آیا خداوندی که در این دو آیه شریفه و سایر آیات قرآن (3) توصیه به

ص: 28

---

1- النحل (16)، آیه 90.

2- یونس (10)، آیه 44.

3- البقره (2)، آیه 282؛ آل عمران (3)، آیه 18؛ النساء (4)، آیات 3، 135، 129، 58؛ المائده (5)، آیات 8، 42؛ الانعام (6)، آیه 152؛

الأعراف (7)، آیه 29؛ یونس (10)، آیه 3؛ النحل (16)، آیه 76؛ الشوری (42)، آیه 15؛ الحجرات (49)، آیه 9؛ الحديد (57)، آیه 25؛

الممتحنه (60)، آیه 8؛ ...

عدل و دادگری می فرماید، امکان دارد که کوچک ترین ستمی بر بندگان خود روا دارد؟ هرگز.

## جبر و تفویض

در دنباله مبحث عدل، مطرح نمودن بحث اختیار به نظر مناسب می رسد و حقیقت امر در ارتباط با وضع انسان، پس از بررسی چند مسأله به خوبی واضح و قابل وجدان است:

1. ما به خوبی وجدان می کنیم که آن چه از دانش و علم و نیز نیرو و قدرت در اختیار داریم از خود مانیست بلکه از سوی دیگری است که به ما می رسد به دلیل آن که هر انسان دانشمند و نیرومندی در ابتدای تولد فوق العاده ضعیف و ناتوان و نادان می باشد سپس با گذشت زمان دانا و نیرومند می شود و گاهی در پایان عمر در اثر کهولت سن نیروی خود را از دست می دهد و نیز دانستگی های خود را به فراموشی می سپارد این بهترین دلیل است بر آن که علم و قدرت انسان از سوی پروردگار متعال به او می رسد و از خود او نمی باشد.

2. اختیار و آزادی انسان در زمینه تصمیم گیری و اقدام به هر کاری که از او صادر می شود برای همه قابل درک می باشد و دلیل بر آن که همه عَقْلاً اختیار داشتن و قدرت بر تصمیم گیری در کارها را وجدان می کنند آن است که در هر جامعه ای برای تنظیم امور خود مقرراتی را قرار می دهند و هرکس از آن مقررات تخلف کند به گونه ای مورد سؤال قرار می گیرد. تنظیم

ص: 29

قانون دلیل بر آن است که انسان دارای اراده آزاد است زیرا اگر ما در کارهای خود هیچ گونه اختیاری نمی داشتیم صحیح نبود که ما را موظف به عمل به مقررات نمایند و نیز مؤاخذه کسانی که از قانون تخلف می کنند دلیل بر آن است که انسان در کارهای خود قدرت تصمیم گیری دارد زیرا اگر چنین نباشد بازخواست کردن شخص مجبور صحیح نبود؛ اگر دانش آموز در انجام وظایف تحصیلی خود اختیار نمی داشت صحیح نبود که او را به نوشتن تکالیف درسی و مانند آن موظف سازد و اگر دانش آموز جدی و دانش آموزی که درس نخوانده هر دو مجبور بودند و هیچ کدام آزادی عمل نمی داشتند تفاوت گذاردن میان آن دو هرگز صحیح نبود و نیز اگر مریض قدرت بر خوردن دوا و عمل به نسخه طیب نداشته باشد دستور دادن دکتر به اینکه خود را به وسیله عمل به نسخه درمان کند غلط خواهد بود، زیرا کسی را که اختیار ندارد به کاری موظف نمی سازند. بنابراین به خوبی می یابیم که آزادانه، قدرت بر تصمیم گیری داریم لذا در کارهای خود مجبور نیستیم و نیز به خوبی می یابیم که این قدرت و حریت را خدا به ما تملیک کرده است و از خود ما نیست. مرحوم شیخ صدوق در کتاب توحید خود روایتی نقل می کند که بخشی از آن چنین است:

خدا مالک هر چیزی است که به بشر تملیک کرده است. (1)

ص: 30

---

1- التوحید، ص 361، ح 7 (باب 59: نفی الجبر و التفویض)؛ بحار الأنوار، ج 5، ص 16، ح 22 (باب اول از ابواب العدل از کتاب العدل و المعاد).

یعنی خداوند متعال قدرت و آزادی را به ما تملیک کرد و ما مالک قدرت و آزادی شدیم ولی در عین حال خدا اَمَلِک است(1)

یعنی خدا مالک تر از خود انسان است(2) هرگاه که بخواهد قدرت و آزادی را از من بگیرد، می گیرد. پس چون قدرت و آزادی کامل به بشر داده است و بشر در انجام کارهای خیر و شر توانا و آزاد است پس «لا جبر» جبری در کار نیست. و چون خدا درباره قدرت و آزادی من از خود من مالک تر است و هرگاه اراده کند که از من بگیرد فوری می گیرد پس «لاتفویض» یعنی کارها را صد درصد به بشر واگذار نکرده است(3)

از این رو در حدیث آمده است:

لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ، بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ.(4)

ص: 31

1- اشاره به حدیث امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمود: وَقَدْ سُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِمْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّا لَا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئًا وَلَا نَمْلِكُ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أُمَّتِي مَلَكَتْ مَا هُوَ أَمْلِكُ بِهِ مِنَّا كَلَّفْنَا وَ مِنِّي أَخَذَهُ مِنَّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَنَّا. نهج البلاغه، حکمت 404، ص 574؛ بحار الأنوار، ج 5، ص 209، ح 49 (باب هفتم از أبواب العدل از کتاب العدل و المعاد).

2- توضیح مطلب: چون پروردگار متعال قدرت و آزادی را به انسان عطا فرموده است و هرگاه اراده کند می تواند بگیرد، پس او سزاوار تر است به مالکیت از انسانی که دارای اراده و اختیار است و هرگونه که بخواهد می تواند این اراده و اختیارش را صرف کند.

3- توضیح مطلب: شخص بیماری را در نظر بگیرید که توان حرکت دادن دستش را ندارد و پزشک متخصص با وصل کردن مقدار مشخصی برق به بدن او وی را قادر به حرکت دست می کند. در این صورت حرکت دست او به اختیار خودش صورت می پذیرد اما برای این که چنین اختیاری را دارا باشد باید لحظه به لحظه آن نیروی الکتریسیته به بدنش متصل باشد.

4- بحار الأنوار، ج 5، ص 11، ح 18 (باب اول از أبواب العدل از کتاب العدل و المعاد)؛ بر اهل فن پوشیده نیست که این حدیث یکی از معجزات علمی اهل البیت: است که تمام شبهات در بحث اراده و اختیار و جبر و تفویض را پاسخ می دهد. مؤلف محترم کتاب مفصلی در این زمینه دارند به نام سد المفرد علی القائل بالقدر که دانش پژوهان به آن می توانند مراجعه کنند.



## نبوت و اثبات خاتمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در زمینه نیاز به قانون و پیامبر و مسأله نبوت از راه های گوناگون می توان سخن گفت ولی ما به طور فشرده یک دلیل را بیان می کنیم و در ابتدا به چند موضوع تذکر می دهیم:

1. بدون تردید زندگی انسان، زندگی اجتماعی است و برای او زندگی انفرادی امکان ندارد. ما نمی توانیم بدون استفاده از تلاش دیگران نیازهای خود را تأمین کنیم پس انسان باید در اجتماع زندگی کند تا نیازهای چهارگانه خود را (1- خوراک 2- پوشاک 3- مسکن 4- دوا و درمان) برطرف نماید.

2. بسیار واضح است که جامعه وقتی به طور منظم بر سر پا می باشد که مقررات صحیحی در آن حکم فرما باشد. و احتیاج به قانون برای همه عقلا واضح و روشن است و لذا در هر اجتماعی حتی منکرین خدا مقرراتی حاکم است بلکه در هر کار اجتماعی، مانند یک اداره یا کارخانه اعضای آن پیرو مقرراتی می باشند پس هر اجتماعی اگرچه کوچک، نیازمند به قانون است.

ص: 33



3. قانون صحیح و کامل، آن قانونی است که مطابق با اسلوب آفرینش و جواب گوی نیازهای انسان باشد همان طوری که استفاده صحیح از مثل یک ماشین لباسشویی متوقف بر آن است که مقررات بر طبق ساختمان آن ماشین تنظیم شده و به دست ما برسد.

4. قانون مطابق با اسلوب آفرینش را تنها آفریننده انسان که نیازهای انسان را و نیز نفع و ضرر او را می داند می تواند تدوین کند. یعنی به خوبی واضح است که پدید آورنده هر چیزی به خصوصیات و نیاز و رموز آن پدیده از همه آگاه تر است در مثال گذشته برای استفاده صحیح از همان ماشین لباسشویی، مهندسین مقرراتی را تنظیم می نمایند و به وسیله یک دفترچه آن مقررات و طرز استفاده صحیح را برای دیگران بیان می کنند پس نتیجه می گیریم که تنها آفریننده انسان باید برنامه و قانون زندگی فردی و اجتماعی بشر را تنظیم کند.

5. تا زمانی که اسلوب خلقت دگرگون نشود و وضع انسان از جهت غرائز و تمایلات و نیازها تغییر نکند مقررات نیز ثابت خواهد بود، همان طوری که در مثال سابق تا کارخانه در وضع ماشین دگرگونی ایجاد نکند مقررات آن را هم عوض نخواهد کرد خداوند متعال می فرماید که

ص: 34

وضع آفرینش انسان که خدا او را خلق نموده تغییر نخواهد کرد. (1) لذا قانون و آیین پیامبر اسلام که آخرین قانون است ثابت خواهد ماند. کسانی که می گویند با گذشت زمان و تفاوت وضع زندگی انسان های امروز و گذشته باید قانون و مقررات نیز عوض شود ایشان به یک نکته توجه کرده اند ولی از نقطه اساسی غافل شده اند؛ آری! وضع زندگی انسان از جهت ابزار و از جهت وسایل تأمین نیاز خود تغییر پیدا کرده مثلاً وضع تغذیه و پوشاک و مسکن و وسایل زندگی و وسایل نقلیه و درمان امراض دگرگون شده است و در آینده نیز تغییر پذیر است ولی انسان امروز با انسان گذشته و انسان آینده از جهت خواسته ها و نیازها هیچ تغییری پیدا نکرده است و ما گفتیم که قانون صحیح باید بر طبق نیاز انسان بوده باشد نه آن که قانون صحیح بر طبق اسباب و وسایل تأمین کننده نیاز ما باشد البته باید توجه داشت که پیشوایان ما در فرمایشات خود، گاهی حکم بعضی از موضوعات را به طور جزئی و مشخص بیان کرده اند و گاهی به طور کلی. و انسان متخصص در

ص: 35

---

1- الروم(30)، آیه 30: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»: ای پیغمبر خود و پیروانت با کمال پایداری و استقامت به آئین پاک اسلام رو آورده و از دین خدا که فطرت انسانی بدان آفریده شده پیروی کنید و بدانید که در آفرینش خدا تغییری نباید داده شود آئین استوار خدا این است اما بیشتر مردم نمی دانند.

مسائل دین یعنی فقیه از آن کلیات می تواند در هر زمانی آن چه را که مورد نیاز است استخراج نماید و برای دیگران بیان کند.

تا این جا نتیجه می گیریم که انسان برای حفظ نظام زندگی خود محتاج به قانونی است که خداوند آنرا تنظیم بفرماید و به او برساند. اکنون می گوئیم آن کسی که به توسط او قانون را به دیگران می رساند به او «پیامبر» یعنی پیام آورنده از جانب خدا گفته می شود. بنابراین، احتیاج به دین و قانون و آورنده قانون، ثابت و محقق است.

ص: 36

یکی از اصول اعتقادات شیعیان مسأله امامت است به این معنی که شیعه معتقد است در هر زمانی جامعه بشریت نیازمند به وجود پیشوایان معصوم و منصوب از طرف خداوند متعال می باشد.

در مسأله امامت به سه نکته مهم باید توجه داشت:

نکته نخست: مسأله امامت مربوط به زمان درگذشت پیامبر اسلام نیست تا کسی عنوان کند که آن زمان سپری شده و دیگر این بحث مفید نیست بلکه مسأله امامت به همه زمان ها مربوط می باشد و ما شیعیان معتقدیم که وجود پیشوا و راهنما در هر زمانی لازم است.

نکته دوم: بنا به عقیده شیعه، خداوند متعال باید پیشوای جامعه را همانند پیامبر تعیین کند و نظریات مردم در این مسأله حیاتی و حساس هیچ گونه دخالتی ندارد، این مطلب را با دو دلیل می توان اثبات کرد:

## نخستین دلیل: عقل

شناخت پروردگار متعال و عدم شناخت انسان

یکی از صفات امام مانند پیامبر، عصمت یعنی پاک بودن از هر گناه و لغزش و اشتباه می باشد و ما هرگز نمی توانیم چنین کسی را در میان مردم بشناسیم زیرا آگاهی ما نسبت به شناخت افراد بسیار ضعیف و محدود است، ولی خداوند متعال همه را به خوبی می شناسد از این رو باید انسان معصوم را از میان افراد بشر تعیین نمود و به دیگران معرفی کند تا مردم در شناخت پیشوای خود دچار حیرت نشوند.

## دومین دلیل: راهنمایی قرآن

### اشاره

روش خداوند متعال در زمینه هدایت بشر در قرآن مجید پروردگار متعال می فرماید:

البتة بر عهده ماست که مردم را هدایت کنیم. (1)

در این آیه شریفه خداوند خود را مسؤول هدایت مردم معرفی کرده و بدون تردید بهترین وسیله آشنایی مردم با دین و قانون خدا انتخاب و شناساندن معلم و پیشوای خود می باشد پس خداوند باید او را انتخاب و معرفی فرماید تا مردم را هدایت کند و چنین هم کرده است.

### امامت از دیدگاه اهل سنت

دانشمندان اهل سنت در زمینه مسأله امامت به دو دسته تقسیم می شوند:

ص: 38

---

1- اللیل (92)، آیه: 12: {إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ}.

گروه اول می گویند: «پیامبر از دنیا رفت و کسی را به عنوان جانشین معرفی ننمود»؛ (1) پاسخ ایشان از سخنانی که قبلاً عنوان شد داده می شود، زیرا با فرض این که دین اسلام، دین جاوید و باقی است و مردم موظف به اجرای دستورات آن می باشند، در این صورت اگر معلم و راهنما را معرفی نکنند این تکلیف بر خلاف عدالت خواهد بود پس باید راهنما معین کند و چنین هم کرده است.

گروه دوم می گویند: «پیامبر جانشین خود را معرفی کرد

ولی پس از رحلت ایشان مردم حضرت علی ابن ابی طالب (علیهما السلام) را کنار گذاشتند و با دیگری بیعت کردند». (2)

از این گفتار به دو گونه می توان پاسخ گفت:

پاسخ اول: همان طور که قبلاً بیان شد پیشوای جامعه باید بهترین عمل کننده به قانون یعنی معصوم باشد بدیهی است مردم نمی توانند چنین شخصی را بشناسند، چنان چه شناختند و نعل بندی را به جای گوهر فروش نشانند.

پاسخ دوم: در قرآن مجید خداوند متعال می فرماید:

هر گاه حکمی از طرف پروردگار نازل شد هیچ مرد و زن با ایمان حق اظهار نظر و دگرگونی آن را ندارند. (3)

ص: 39

---

1- برای این قول مراجعه شود به: الغدیر، ج 5، ص 567 به نقل از باقلانی و خضری. و نیز عبقات الأنوار، ج 11، ص 597 به نقل از فخر رازی.

2- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 12، ص 82.

3- الأحزاب (33)، آیه 36: (وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا...).

و نیز می فرماید:

خدا می آفریند و او نیز برای راهنمایی مردم انسان شایسته را اختیار می کند و هرگز مردم در این زمینه اختیار ندارند. (1)

اما مسأله مشورت و تبادل افکار یکی از مسائل مهم اخلاقی دین اسلام می باشد ولی زمینه مشورت درباره اموری است که حکم آن به طور قطعی در دین بیان نشده و برای ما تکلیفی نیامده باشد، زیرا اگر وظیفه ما مشخص شده باشد باید در اجرای آن بکوشیم و در مقابل فرمان خداوند متعال تسلیم باشیم نه این که باز در مورد آن مشورت کنیم.

تاریخ اسلام با صدای بلند شهادت می دهد و اعلام می دارد که

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) به امر پروردگار در روز هجدهم ماه ذیحجه سال دهم هجری، در محلی به نام غدیر خم حضرت علی (علیه السلام) را در حضور بیش از یک صد هزار نفر زائر خانه خدا به سر دست گرفت ضمن ایراد خطبه ای مفصل فرمود:

هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست سپس یاران او را دعا و دشمنانش را نفرین کرد. (2)

نکته سوم: همان طور که قبلا بیان شد که خداوند متعال برای برقراری نظم در زندگی انسان ها قانون جامع و کاملی را تنظیم نموده است که تا روز آخر زندگی بشر باید باقی بماند زیرا وضع خلقت و

ص: 40

---

1- القصص (28)، آیه 68: (وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ).

2- اثبات الهداه، ج 3، ص 38؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 2، ص 289؛ برای آشنایی بیشتر با مصادر اهل سنت ر.ک: احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج 21، ص 1-82.

آفرینش انسان تغییر نمی کند. اکنون این مسأله مطرح می شود که اگر دقیق ترین و کامل ترین قانون را داشته باشیم ولی آن قانون توسط شخصی آگاه و دانشمند برای مردم بیان نشود علاوه بر آن که ضمانت اجرایی نخواهد داشت هرگز مفید هم نخواهد بود. مثلاً در زمینه رانندگی، برای برقراری نظم مقرراتی تنظیم شده است و مأموران راهنمایی برای آگاهی مردم و جلوگیری از تخلف رانندگان مشغول فعالیت هستند و به یقین اگر مأموران راهنمایی نباشند مقررات به تنهایی موجب نظم نخواهد بود پس با توجه به این که مردم در هر زمانی باید پای بند به قانون بوده و آن را باید در زندگی خود به اجرا درآورند و با توجه به این که ایشان به آن قانون آگاهی ندارند به حکم عقل باید شخصی آگاه و دانا آن قانون را برای دیگران توضیح دهد و از تخلف ایشان جلوگیری نماید. بنابراین به این نتیجه می رسیم که اگر خداوند برای جامعه پیشوایی معین نکند و در عین حال آنان را به رعایت قانون دین موظف نماید مثل این است که دانشجویان دانشگاه را به تحصیل علم مکلف سازند بدون آن که استادی به کلاس اعزام نمایند بدیهی است که این تکلیف بر خلاف عدالت است. از این رو خداوند متعال راهنمایی آگاه و دانا و پاک از هرگونه گناه و آلودگی انتخاب کرده است تا مردم را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آرند و به شاهره سعادت و کمال رهنمون گردند. آن بزرگواران دوازده نفرند اول ایشان حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و آخر ایشان حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. (1)

ص: 41

---

1- ر.ک: کفایه الأثر، ص 58؛ غایه المرام، ج 4، ص 119؛ ینابیع الموده، ج 3، ص 395، ح 46.



یکی از اصول اعتقادی ما مصونیت داشتن پیغمبر و امام در زمینه گناه و خطا و اشتباه است به این معنا که پیامبران و امامان باید از آلوده شدن به گناه و معصیت و نیز ارتکاب خطا مصونیت داشته باشند. و مخالف با ما در این مسأله اهل سنت می باشند لذا ما در پاسخ گویی به آنان هم به دلیل عقلی و هم به آیات قرآن استدلال می کنیم.

اما دلیل عقل: باتوجه به این که هدف و غرض خداوند از فرستادن پیامبران و تعیین جانشین، آشنایی مردم با آیین خدا و به کار گرفتن دین در زندگی خود می باشد حال اگر ایشان خود در رساندن قانون دچار اشتباه شوند یا از عمل به آن کوتاهی کنند هرگز این هدف تأمین نخواهد شد به علاوه ما به خوبی می دانیم در زمینه تربیت و پرورش، عمل مربی از گفتار او مؤثرتر خواهد بود تا آن جا که می گویند: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» اگر مربی جامعه بر خلاف عمل کند، در زمینه تربیت دیگران موفق نخواهد بود.

واما دلیل از قرآن مجید؛ خداوند می فرماید:

ما به ابراهیم پس از آن که او را آزمایش کردیم مقام امامت دادیم ایشان برای بعضی از فرزندان خود آن را تقاضا کرد جواب آمد پیمان ما یعنی امامت به انسان ظالم داده نمی شود. (1)

ص: 42

---

1- البقره(2)، آیه 124: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ).

می دانیم که ظلم در قرآن به سه معنی آمده است:

1. شرک. (1)

2. گناه و معصیت. (2)

3. تجاوز به دیگران. (3)

پس عهده دار امامت از این سه نوع آلودگی باید به دور باشد.

### معجزه

یکی از مسائلی که ما به آن معتقد هستیم مسأله «اعجاز» است. معجزه یعنی کاری که از شخص مدعی نبوت یا امامت صادر می شود و از قدرت بشر عادی خارج است که در هیچ زمانی هیچ کس مانند آن را نمی تواند بیاورد البته در قرآن مجید واژه معجزه به کار نرفته ولی در احادیث به چشم می خورد و در

قرآن مجید خداوند می فرماید:

ما فرستادگان خود را با بینات یعنی آن چه روشن کننده صدق و درستی ادعای آن ها می باشد فرستاده ایم. (4)

ص: 43

1- لقمان (31)، آیه 13: (وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ).

2- فاطر (35)، آیه 32: (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ).

3- یونس (10)، آیه 44: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ).

4- الحديد (57)، آیه 25: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ).

و اما دلیل بر این مسأله اعتقادی: از آن جا که پیامبر و امام برای همگان به مانند معلم و راهنما می باشند پس باید خداوند متعال، ایشان را به وسیله ای به مردم معرفی نماید که برای همه چه مردان یا زنان، دانشمند یا نادان به راحتی قابل شناخت باشند تا دچار سرگردانی نشوند و افراد نااهل نتوانند به دروغ ادعای این منصب مهم را بنمایند همانند معرفی نامه یا کارت شناسایی که در زمان ما مرسوم است که مؤسسه یا شرکتی به نماینده خود می دهد تا بتواند به وظایف خود عامل باشد.

بعد از پایان این بحث به طور فشرده به مسأله معجزه جاوید پیامبر یعنی قرآن مجید اشاره می کنیم. معجزه بودن قرآن از جنبه های متعددی می باشد و شاید مهمترین آن ها جنبه علمی قرآن مجید می باشد. شخصی را در نظر بگیرید که محیط زندگی او دور از فرهنگ و دانش بوده است و در طفولیت پدر و مادر را از دست داده است و هرگز نزد استادی حاضر نشده است. در عین حال در زمینه های مختلف یک سلسله حقایق علمی را بازگو نماید که پس از گذشت قرن ها دانشمندان با پیشرفت ابزار و وسایل آن را کشف نمایند قطعا یک چنین انسانی با آفریننده جهان هستی در ارتباط بوده و با الهام و وحی از طرف او آن حقایق علمی را دانسته و آگاهی پیدا کرده و بیان نموده است مانند مسأله حرکت زمین و جفت بودن گیاهان و نیز مسأله آفرینش انسان از نطفه مرد و زن و مسائل مهم دیگری که در کتاب های مفصل می توانید آن را ببینید.

یکی از مسائل اعتقادی ما اصل معاد می باشد به این معنا که اعتقاد داریم که زندگی انسان با آمدن مرگ تمام نمی شود و مرگ به معنای نابود شدن و نیستی نمی باشد بلکه مرگ انتقال از جایگاهی به جایگاه دیگر است همانند انتقال از رحم مادر به دنیا. و نیز ما معتقدیم که پس از مرگ حاصل تلاش و عملکرد انسان و پاداش اعمالش به او خواهد رسید و خداوند متعال با برگرداندن بدن انسان و روح او به پیکرش و انتقال او به بهشت یا دوزخ او را به جزای اعمال نیک و بدش می رساند برای بررسی این مسأله در دو زمینه باید گفت و گو کرد:

اول: مرگ پایان زندگی نیست و اعتقاد به زندگی دیگر برای انسان لازم است.

دوم: خداوند در رستاخیز بدن انسان را برمی گرداند و روح را در آن قرار می دهد تا پاداش اعمال خود را ببیند که گفته می شود معاد جسمانی و روحانی.

اما در زمینه اول به دو دلیل می توان استدلال کرد:

1. با پذیرش عدالت خدا، می گوئیم: اگر با آمدن مرگ زندگی انسان تمام شود در حقیقت پایان زندگی کسانی که با پاکی و درستی زندگی کرده اند و بدین جهت دچار محرومیت شده و از خواسته های گوناگون خود چشم پوشیده اند، با پایان زندگی ستمگران و کسانی که به قانون خدا و حقوق دیگران بی اعتنا بوده اند یکسان خواهد بود. و این مانند آن است که برخورد معلم در پایان سال تحصیلی، با دانش آموزان جدی در تحصیل، همانند برخورد او با دانش آموزان غیر جدی باشد و قطعاً این بر خلاف عدالت

است. پس لازمه عدالت خدا آن است که زندگی برای انسان قرار دهد تا همگی جزای اعمال خود را ببینند. خداوند در قرآن مجید می فرماید:

آیا ما کسانی را که در مقابل دین تسلیم

بوده اند مانند افرادی که متخلف بوده اند قرار می دهیم این چگونه داوری است. (1)

و نیز می فرماید:

آیا کسانی که ایمان آورده و دارای کارهای پسندیده می باشند مانند کسانی قرار می دهیم که فساد بر پا می کنند و ما پرهیزگاران را مانند بد کردارها قرار نمی دهیم. (2)

2. با پذیرش حکمت خداوند و این که کار بیهوده از او صادر نمی شود می گوئیم: اگر به راستی این جهان با عظمت و امکانات فراوان و گوناگونی که در آن می باشد برای ادامه زندگی انسان دایر گردیده (همان طوری که از آیات قرآن مجید به دست می آید) (3)

سپس زندگی انسان منحصر باشد به دوره کوتاه دنیا، آن هم زندگی همراه با مشکلات و سختی های فراوان و با آمدن مرگ زندگی او خاتمه داده شود مثل آن می ماند که شخصی با سرمایه گذاری فراوان و تحمل رنج زیاد باغی یا کارخانه ای را احداث کند و هنگام به دست آمدن محصول آن را نابود سازد همه عقلا او را زیر سؤال می برند که اقدام به چنین کار مهم باید بر

ص: 46

- 
- 1- القلم (68)، آیات 35-36: (أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ \* مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ).
  - 2- ص (38)، آیه 28: (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ).
  - 3- ر. ک: ابراهیم (14)، آیه 32؛ النحل (16) آیه 14؛ السجده (32) آیه 27؛ و آیات زیاد دیگر.

اساس هدف عالی و ارزنده باشد. پروردگار حکیم که هدف خود را از آفرینش جهان و همه موجودات آن ادامه زندگی انسان معرفی نموده اگر زندگی انسان را منحصر به این دوره کوتاه نماید و حاصل عمر او را به او تحویل ندهد، بر خلاف حکمت خواهد بود. قرآن مجید می فرماید:

ایا گمان می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و بازگشت شما به سوی ما نخواهد بود. (1)

گویا در این آیه می فرماید، اگر معاد نباشد آفرینش انسان دارای هدف حکیمانه ای نخواهد بود.

اما در زمینه دوم، مسأله معاد بازگشت بدن و سپس روح به بدن، بعد از آن که ما پذیرفتیم که خدا دارای قدرت نامحدود و بر همه چیز توانا است. این مسأله مشکل نخواهد بود و در قرآن مجید برای جواب گویی از اعتراض مشرکین مکه بر معاد جسمانی و روحانی به نمونه های قدرت خدا اکتفا می کند که ما به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

1. داستان حضرت ابراهیم (علیه السلام)؛ پرندهگان و بازگشت بدن آن ها و سپس روح در کالبد آن ها قرار گرفتن. (2)

2. داستان ارمیا؛ (بعضی از مفسرین عزیز نوشته اند) که به فرمان خدا از دنیا رفت و پس از صد سال دومرتبه زنده شد و خوراکی و آشامیدنی او که انجیر و آب انگور بود سالم باقی مانده بود.

ص: 47

---

1- المؤمنون (23)، آیه 115: (أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ).

2- البقره (2)، آیات 259-260.

3. داستان اصحاب کهف؛ که برای مدت سیصد سال یا بیشتر خداوند متعال ایشان را در حال خواب نگهداری نمود می فرماید:

ما این چنین انجام دادیم تا بدانند قیامت بر حق است و خداوند قدرت دارد که انسان را بر گرداند. (1)

4. قرآن مجید در چند مورد به مردن و زنده شدن زمین در فصل پاییز و زمستان و بهار و تابستان تذکر می دهد و می فرماید:

این چنین خدا مردگان را زنده می کند. (2)

5. گاهی قرآن می فرماید:

آن چنان که از میان خاک گیاهان گوناگون را خارج می سازد، شما را پس از مرگ از دل خاک بیرون می آورد. (3)

6. گاهی قرآن مجید می فرماید:

بازگردانیدن انسان پس از مرگ آسان تر است از ایجاد کردن او. (4)

پس پروردگاری که او را آفریده می تواند او را برگرداند.

و نیز نمونه های دیگری که با بررسی آیات می توان آن ها را به دست آورد. (5)

ص: 48

---

1- الکهف (18)، آیه 21: (وَكذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا...).

2- الروم (30)، آیه 50: (فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

3- الروم (30)، آیه 19: (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ).

4- الروم (30)، آیه 27: (وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ) و همچنین سوره یس (36)، آیه 79: (قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ).

5- آل عمران (3)، آیه 27؛ الاعراف (7)، آیه 57؛ ق (50)، آیه 11.

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

1. إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات. شيخ حر عاملی، محمد بن حسن (ت1104ق). بیروت: اعلمی. چاپ اول: 1425ق.
2. احقاق الحق وازهاق الباطل. شوشتری، نور الله (ت1019ق). تعلیق: شهاب الدین مرعشی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی (رحمه الله). چاپ اول: 1409ق.
3. بحار الأنوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمه الأطهار (عليهم السلام). مجلسی، محمد باقر (ت1110ق). بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ دوم: 1403ق.
4. توحيد الإمامیه. ملکی، محمد باقر (ت1377ش). ترجمه: محمد بیابانی اسکویی. تهران: انتشارات نبا. چاپ دوم: 1391ش.
5. التوحيد. ابن بابويه، محمد بن علی (ت381ق). تحقیق: هاشم حسینی. قم: موسسه نشر اسلامی. چاپ اول: 1398ق.
6. سد المفر علی القائل بالقدر. علم الهدی، محمد باقر (ت1431ق). تقریر: سید علی رضوی، امیر فخاری، حسن کاشانی. تهران: انتشارات منیر. چاپ اول: 1387ش.
7. شرح نهج البلاغه. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (ت655ق). تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی. چاپ دوم: 1385ق.



8. عبقات الأنوار. موسوی نیشابوری، میر حامد حسین (ت1306ق). اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام). چاپ دوم:

1. 1366ش.

9. عدل الهی. بیابانی اسکویی، محمد. تهران: انتشارات نیا. چاپ دوم: 1391ش.

10. غایه المرام فی علم الکلام. آمدی، سیف الدین (ت623ق). بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ اول: 1413ق.

11. الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب. امینی، عبدالحسین (ت1349ش). قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامیه. چاپ اول: 1416ق.

12. کنزالفوائد. کراجکی، محمد بن علی (ت449ق). تحقیق: عبدالله نعمه. قم: دارالذخائر. چاپ اول: 1410ق.

13. کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الإثنی عشر(علیهم السلام). خزاز رازی، علی بن محمد (قرن چهارم). تحقیق: عبد اللطیف حسینی کوه کمری. قم: بیدار. چاپ: 1401ق.

14. لسان العرب. ابن منظور، محمد بن مکرم (ت711ق). تحقیق: جمال الدین میردامادی. بیروت: انتشارات دارالفکر. چاپ سوم: 1414ق.

15. معرفه الله. علم الهدی، محمد باقر (ت1431ق). تقریر: سید علی رضوی، مشهد: انتشارات ولایت. چاپ اول: 1436ق.

16. ینابیع المودّه لذوی القربی. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (ت1294ق). تحقیق: سید علی جمال اشرف حسینی. قم: دار الأسوه للطباعه و النشر. چاپ: 1416ق.

ص: 50

\* بماذا نعتقد؟

العَلَّامه الحاجّ الشيخ محمّد باقر علم الهدى (رحمه الله)

ترجمه: السيّد جعفر المدرّسىّ

ترجمه اردو: السيّد صغير حسين النقوىّ

ترجمه انجليزى: السيّد مهدىّ المدرّسىّ

دار الولاية للنشر

1438 - 1395

ص: 51

تستقرّ العقيدة - وهي ما ينعقد القلب عليه - في لبّ كلّ دين وأساس كلّ شرعه ومنهاج. فإنّها من الدين كالقلب من الجسد والجذر من الشجر؛ منها تنفرّع كلّ السلوك، وإليها تعود كلّ الأخلاقيات والعبادات، وبناءً عليها تتمّ صياغته شخصيّه الإنسان.

ولذا فإنّ المصدر الذي تُستقى منه العقيدة يحتلّ أخطر المواقع وأشدّها حساسية. ولأجل ذلك تعدّدت المشارب وتضاربت النّحل، كيف لا وهذا يستلّ عقيدته من القياسات الباطلة، وذاك يبنى على أساس المكاشفات والتخيّلات، وآخر حيران لا يهتدى إلى الحقّ سبيلاً.

لقد قام شيخنا العلامة الفهّامه، الفقيه الرّبّاني، المرحوم الشيخ محمّد باقر علم الهدى (قدّس سرّه) ببيان خلاصه العقيدة المستنده إلى العقل المستنير بضياء الوحي، والفطره التي ذكر بها أئمه الحقّ (عليهم السلام)، وذلك باستعراض موجز ومبسّط حتّى يسهل فهمه لجميع الطبقات. وقد أشار رضوان الله عليه أنّ ما يميّز دين الله هو قابليه فهمه لدى جميع العقلاء بما أودع الخالق فيهم من فطره نقيّه، - الشرط الذي لا يتوفّر في الطريقتين الفلسفيه والعرفانيه البعيدين عن منهج القرآن الكريم وكلمات العتره الطاهره صلوات الله عليهم اجمعين.

دارالولاية للنشر

إيران - المشهد المقدس - السوق الكبير

هاتف: 00989151162907 - 00989151576003

ص: 52

The religion of Islam applies impeccably with that of man's very formation and creation, and it's foundations  
.are therefore both vividly clear and strong in nature

That said, what a human being needs in order to  
receive divine guidance in his first step to seeking truth is possessing a submissive soul, for the next step is  
.without a doubt recognition to the truth

In this book, the author late Shaikh M.B. Alamulhuda attempts to prove that Islam is not burdensome, and  
does not require a brain of a philosopher, it is in fact fathomable by every person with least amount of  
.intellectual capacity, along with a mere reminder from the prophets and messengers

-----

The publisher

Velayat publishers

.Address: Iran, Mashhad, central bazaar, Velayat publisher

Tel:00989151576003 -00989151162907

WHAT WE BELIEVE \*

Ayatollah Sheikh Baqer Alamolhuda

ED., TRANS, AND ANNOT. BY

Sayed Mahdi Modarresi

:Commentary by

Sheikh Morteda Aadadi

Velayat Publishers

1395 - 2017

ص: 54

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ)

يُعَدُّ الْعِلْمَ وَالْمَعْرِفَةَ أَفْضَلَ وَأَكْبَرَ النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ الْمَهْدَاهِ لِعِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ لِأَنَّهُ بِالْعِلْمِ يُعِينُهُمُ اللَّهُ عَلَى عِبَادَتِهِ وَبِهِ يَخْضَعُونَ لَهُ،

وَهُوَ مِنْ أَكْبَرِ النِّعَمِ الَّتِي بِهَا يَفْتَخِرُونَ فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا.

وَالْعُلَمَاءُ الرَّبَّائِيُونَ وَالْعُرَفَاءُ الْإِلَهِيُّونَ هُمْ مَنْ يَسْتَضِيئُونَ بِهَدْيِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَنْثَمَةِ: وَلَا يَشْعُرُونَ بِالتَّعَبِ أَوْ الْمَلَلِ أَبَدًا فِي سُلُوكِ هَذَا الطَّرِيقِ. طَرِيقِ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ، وَيَتَجَنَّبُونَ الطَّرِيقَ الْأُخْرَى الَّتِي لَا تَنْتَهِي بِهِمْ إِلَى نَيْلِ مَعَارِفِ الْأَنْثَمَةِ:.

تَهْدَفُ هَذِهِ الْمَوْسَسَةُ - الَّتِي تَأَسَّسَتْ بِدِفَاعِ إِحْيَاءِ آثَارِ هَذِهِ الثَّلَاةِ الْمَخْلُصَةِ الَّتِي تَحَمَلَتْ عَلَى عَاتِقِهَا مَهْمَةَ الدِّفَاعِ عَنْ مَعَارِفِ الْوَحْيِ وَالْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ الْأَصِيلَةِ - إِلَى نَشْرِ هَذَا الْفِكْرِ عِبْرَ الْوَسَائِلِ الْعَصْرِيَّةِ الْمَتَّاحَةِ وَمِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ.

ص: 55

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ)

Call on to the way of your lord with wisdom and good preaching

Knowledge is arguably God's most precious blessing given to humanity, with which they can understand, worship, and submit to the Almighty's commandments. It is indeed the greatest of His gifts for both in this .life and the afterlife

And those with divine understanding are the true inheritors of the prophets and their successors. Those are the people of wisdom who stop at nothing in carrying on their endeavor in seeking knowledge from its one and .only source; the messengers of Allah

This institution, was founded on the revival and republishing the canons and original works of the scholars who gave their life in supporting the foundations of the religion and the teachings of the holy prophet and his .immaculate household. We ask Allah to guide us in this holy path

ص: 56

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

